

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

عنوان :

نقش روحانیون و مبلغین در تبیین و تحقق جهاد اقتصادی

نویسنده :

فاطمه فرهادیان



سامانه جامع محتوای تبلیغی بسته فرهنگی

www.bastefarhangi.ir

شناخت و پیاده شدن اقتصاد اسلامی، از اهداف مکتب اسلام است و رسیدن به این هدف، موجب شکوفایی جامعه، زدودن فقر و ایجاد رفاه و عدالت می‌گردد، این نیاز حس می‌شود که باید جهاد عظیمی در جهت شناخت اقتصاد اسلامی و حرکت به این سمت صورت گیرد. در این راستا روحانیون و مبلغین، به عنوان سفیران دین و فرهنگ، می‌توانند نقش به‌سزایی در تبیین و تحقق جهاد اقتصادی داشته باشند.

در اینجا اصولی که در اقتصاد اسلامی وجود دارد و در جامعه کمرنگ گردیده را با زبانی ساده بیان می‌کنیم؛ لکن قبل از هر چیز ابتدا باید مفهوم جهاد و اقتصاد و عبارت «جهاد اقتصادی» مورد بررسی قرار داد تا ضرورت پرداختن به این بحث روشن شود:

مفهوم جهاد

کلمه «جهاد» معمولاً به نوعی تلاش مقدّس اطلاق می‌شود و یکی از واژه‌هایی است که در گفتمان دینی ما معنا پیدا می‌کند و همیشه صبغه تقدّس را در درون خودش دارد.

مفهوم اقتصاد

«اقتصاد» از ریشه قصد به معنی راستی راه است.

اقتصاد در لغت: به دو معنی است؛ یکی از آن دو پسندیده است که حد وسط و میانه افراط و تفریط است، مانند جود که حد وسط اسراف و بخل محسوب می‌شود یا شجاعت که حد وسط تهور و ترس است و به همین معنی در قرآن به کار رفته است «وَ أَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ»؛ (۱) «در رفتارت میانه را برگزین.» و دوم به امری اطلاق می‌گردد که بین پسندیده و ناپسند در نوسان است، مانند آنچه که بین عدل و جود قریب و بعید فرض می‌شود؛ آیه شریفه «فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ»؛ (۲) «بعضی از آنان بر خود ستم کردند و بعضی راه میانه را برگزیدند.» به همین معنی اشاره دارد.

اقتصاد در اصطلاح: حالت میانه و اعتدال بین زیاده‌روی و خست‌ورزی را اقتصاد می‌گویند. (۳) خداوند می‌فرماید: «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يَسْرِفُوا لَمْ يَقْتَرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا»؛ (۴) «و آنان هستند که هنگام انفاق به مسکینان اسراف نکرده و بخل هم نورزند؛ بلکه در احسان میانه‌رو و معتدل باشند.»

و همین مفهوم در کلام امیرالمؤمنین علیه‌السلام در نهج البلاغه، به لفظ اقتصاد تعبیر شده است، آنجا که امام علیه‌السلام می‌فرماید: «لَنْ يَهْلِكَ مَنْ أَقْتَصَدَ»؛ (۵) آن کس که میانه‌روی در پیش گیرد هرگز هلاک نگردد... «مَا عَالَ مَنْ أَقْتَصَدَ»؛ (۶) هر کس میانه‌روی پیشه کند، (صرفه جویی کند)، نیازمند نگردد.» و یا می‌فرماید: «مَنْ أَقْتَصَدَ خَفَّتْ عَلَيْهِ الْمُؤُونُ»؛ (۷) هر کس میانه‌رو باشد (صرفه جویی کند)، هزینه‌اش سبک گردد.»

بنابراین روشن می‌شود که قصد، روش معقول و راه استوار بین افراط و تفریط است و کلمه قصد و مشتقات آن در جای جای نهج البلاغه به همین معنا به کار رفته است.

یونانیها اقتصاد را «ایکوس نوموس» می‌گویند که به مفهوم تدبیر منزل - اداره و تنظیم امور خانه - است.

جان مارشال جیفنی، در تعریف اقتصاد می‌گوید: علمی است که چگونگی ایجاد، توزیع و هزینه کردن ثروت را مورد بررسی قرار می‌دهد. (۸)

عبارت جهاد اقتصادی که در آن ابعاد دنیوی با ابعاد مقدّس اسلامی، حکیمانه و مبدّرانه همگون و درهم آمیخته شده است، از ترکیب دو واژه جهاد و اقتصاد تشکیل گردیده و در واقع به نوعی تلاش مقدّس و با انگیزه الهی، در اقتصاد و معیشت اشاره دارد. (۹)

از اینرو مهم‌ترین مبحثی که یک مبلغ و روحانی می‌تواند در زمینه‌ی روشن‌گری و هدایت مردم در راستای جهاد اقتصادی، مورد توجه قرار دهد این است که بتواند اصولی را که در اقتصاد اسلامی به‌وجود دارد و بر اساس آن می‌توان جامعه‌ای سالم و پررونق داشت، بیان نماید. در این زمینه توجه به این نکات راه‌گشاست:

۱. اقتصاد اسلامی مبتنی بر اخلاق و انسانیت

اسلام در رسیدن به همه‌ی اهداف اقتصادی و مالی، از چهارچوب ارزشهای اخلاقی، خارج نمی‌شود و هرگز برای تحقق آن اهداف از توجه به اخلاق و انسانیت و معنویت غافل نمی‌گردد.

رعایت اخلاق و روابط انسانی در تثبیت نهادهای اخلاقی - عملی در جامعه و به عنوان یک حرکت کارساز در پدید آمدن فرهنگ اسلامی و بالا بردن بهره‌وری و داشتن اقتصادی پویا، نقش اساسی دارد.

در روایت از حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله آمده: «إِنَّ أَطْيَبَ الْكَسْبِ كَسْبُ التُّجَّارِ الَّذِينَ إِذَا حَدَّثُوا لَمْ يَكْذِبُوا، وَإِذَا اتَّمَنُوا لَمْ يَخُونُوا، وَإِذَا اشْتَرَوْا لَمْ يَذْمُوا، وَإِذَا بَاعُوا لَمْ يَطْرُوا، وَإِذَا كَانَ عَلَيْهِمْ لَمْ يَمْطَلُوا، وَإِذَا كَانَ لَهُمْ لَمْ يَعْسُرُوا؛ (۱۰) همانا پاکیزه‌ترین شغل، شغل بازرگانی است، که چون سخنی گویند دروغ نگویند و هرگاه امانتی به آنها سپرده شود، خیانت نکنند و وقتی چیزی می‌خرند، از آن نکوهش نکنند و وقتی چیزی می‌فروشند، تعریف و تبلیغ نکنند و هر گاه بدهکارند (در پرداخت بدهی خود) تعلل نورزند و هرگاه طلبکار باشند (برای گرفتن طلب خود) فشار نیاورند».

باز در آداب تجارت و کسب و کار حضرت علی‌علیه‌السلام آمده که در بازار کوفه می‌ایستاد و فریاد می‌زد: «يَا مَعْشَرَ التُّجَّارِ قَدِّمُوا الْإِسْتِخَارَةَ وَ تَبَرَّكُوا بِالسَّهْوَلَةِ وَ اقْتَرِبُوا مِنَ الْمُتَبَاعِي عِينَ وَ تَزَيَّنُوا بِالْحِلْمِ وَ تَنَاهُوا عَنِ الْكُذْبِ وَ الْيَمِينِ وَ تَجَافُوا عَنِ الظُّلْمِ وَ أَنْصِفُوا الْمَظْلُومِينَ وَ...؛ (۱۱) ای جماعت بازرگانان پیش از شروع کسب و کار از خداوند خیر و نیکی طلبید و با آسان‌گیری در معامله از خداوند برکت جویید، به خریداران نزدیک شوید، به زیور بردباری آراسته شوید، از دروغ گفتن و قسم خوردن بپرهیزید، از ستم کردن و اجحاف بترسید، با مظلومان به انصاف و عدالت رفتار کنید و...».

با دقت در روایات در می‌یابیم، تأکید اسلام بر رعایت مسایل اخلاقی و انسانی در معاملات، (همچون: وفا در عقود، رعایت عدل و انصاف، عدم اکل به باطل، قاعده لا ضرر و لا ضرار و...) نشان دهنده‌ی توجه اسلام به این امر، حتی در مسایل مادی است. و چنانچه این امر در جامعه، عملیاتی گردد، موجب برقراری اقتصادی سالم در جامعه می‌شود، که ترویج این فرهنگ بر عهده‌ی مبلغین و روحانیون است.

۲. اقتصاد اسلامی و توصیه به داشتن روحیه‌ی کار و تلاش

یکی از عوامل بسیار مهمی که می‌تواند به رشد و توسعه اقتصاد و افزایش کارآمدی در جامعه کمک نماید، احیای فرهنگ غنی کار، تلاش، و همت و توجه به آموزه‌های دینی و ارزشهای معنوی کار است. هر چه همت، تلاش و کار با انگیزه معنوی درآمیزد و رنگ و لعاب الهی به خود گیرد، موجب احیای این فرهنگ غنی خواهد شد. همچنین باید دانست، در جامعه‌ای که نگاه منفی و نادرست برای به دست آوردن درآمد و ثروتمند شدن وجود داشته باشد، در آن جامعه روح کار و تلاش و جهد و جدیت می‌میرد و تن پروری و کم‌کاری فرهنگ غالب می‌شود. پس اگر فرهنگ کار و تلاش در جامعه، آنچنان که سیره عملی و گفتاری ائمه اطهار علیهم‌السلام بوده است، نهادینه شود، به طور یقین پیشرفت و رونق اقتصادی کشور را در پی خواهد داشت.

از اینرو برای احیای فرهنگ کار، باید هنجار بودن کار و تلاش و ناهنجار بودن بیکاری، تنبلی و سستی در جامعه تبیین گردد. در این راستا بهره‌گیری از آیات و روایات و سیره معصومین علیهم‌السلام، می‌تواند ما را در جامعه‌ای که دین‌مدار و حق‌محور است و از میزان پذیرش والای این‌گونه آموزه‌ها در میان مردم برخوردار است رهنمون سازد. در این زمینه می‌توان به روایات و سیره عملی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و ائمه معصومین علیهم‌السلام که همواره بر پایه کار و تلاش و دوری از تنبلی و بیکاری بوده است اشاره کرد، از جمله:

پیامبر عظیم الشان صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: «لَوْ أَنَّ رَجُلًا أَخَذَ حَبْلًا قِيَاتِي بِجَزْمِهِ حَطَبَ عَلَيَّ ظَهْرِهِ، فَيَبِيحُهَا فَيَكْفُ بِهَا وَجْهَهُ، خَيْرَ لَهُ مِنْ أَنْ يُسْأَلَ؛ (۱۲) اگر انسان ریشمانی بگیرد، پشت‌های هیزم را بر دوش کشد و آن را بفروشد و از این رهگذر نیازهای زندگی خود را برآورد، بسی بهتر است از اینکه از دیگران درخواست کمک کند».

همچنین باز پیامبر عظیم الشان اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: «مَنْ أَكَلَ مِنْ كَدِّ يَدِهِ، كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي أَعْدَادِ الْأَنْبِيَاءِ وَيَأْخُذُ ثَوَابَ الْأَنْبِيَاءِ؛ (۱۳) هر کس از دسترنج خود ارتزاق کند، روز قیامت در شمار انبیاء قرار گیرد و از ثواب انبیاء بهره خواهد برد».

البته در طلب روزی، نکاتی را باید مورد توجه قرار داد، یکی اینکه در به دست آوردن مال و تلاش برای روزی، نباید از اصل تقدیر رزق و روزی به دست خداوند و توکل بر او غافل شد که روایات گویای این مهم می‌باشند.

حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید: «لَا يَمْلِكُ أَمْسَاكَ الْأَرْزَاقِ وَأَدْرَارَهَا إِلَّا الرَّازِقُ؛ (۱۴) اختیار کم و زیاد شدن روزیها جز در دست روزی رسان نیست».

و باز می‌فرماید: «عِيَالُهُ الْخَلَائِقُ ضَمَنَ أَرْزَاقَهُمْ وَقَدَّرَ أَقْوَالَهُمْ؛ (۱۵) مردم نان خورهای خدایند، خداوند روزی آنها را ضمانت و خوراکشان را مقدر کرده است».

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ كَثِيرًا مَا يَقُولُ أَعْلَمُوا عِلْمًا يَقِينًا أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمْ يَجْعَلِ لِلْعَبْدِ وَ إِنْ أَشْتَدَّ جَهْدُهُ وَ عَظُمَتْ حِيلَتُهُ وَ كَثُرَتْ نِكَائِيَتُهُ أَكْثَرَ مِمَّا قَدَّرَ لَهُ فِي الذِّكْرِ الْحَكِيمِ وَ لَمْ يَحُلْ بَيْنَ الْمَرْءِ عَلَى ضَعْفِهِ وَ قَلَّةِ حِيلَتِهِ وَ بَيْنَ مَا كُتِبَ لَهُ فِي الذِّكْرِ الْحَكِيمِ؛ (۱۶) امیرالمؤمنین علیه‌السلام بارها می‌فرمود: ای مردم به یقین بدانید که خدای تعالی قرار نداده برای بنده بیشتر از آنچه در قرآن کریم برایش مقدر شده؛ هرچند سخت بکوشد و با تمام توان چاره اندیشد و ترفند زند و زیاد باشد پیروزی او؛ چنانچه حائل نشود بین مرد و آنچه در قرآن کریم برایش مقدر شده است؛ هرچند ناتوان و کم تدبیر باشد».

پیامبر خداصلی‌الله‌علیه‌وآله نیز می‌فرماید: «فَإِنَّ الرِّزْقَ لَا يَسُوقُهُ حِرْصٌ حَرِيصٍ وَلَا يَرُدُّهُ كُرْهُ كَارِهِ؛ (۱۷) نه حرص زدن حریص، روزی را به طرف او می‌کشاند و نه ناخوش داشتن کسی از روزی، آن را از او باز می‌دارد».

نکته دیگری که از روایات فهمیده می‌شود، این است که تلاش و کار نباید ما را از توجه به امور واجب همچون نماز باز دارد؛ و عدم دقت در این زمینه، موجب بی‌برکتی در رزق و روزی می‌گردد.

حضرت امام حسن عسکری‌علیه‌السلام در این باره می‌فرماید: «لَا يَشْغَلُكَ رِزْقٌ مَضمُونٌ عَنْ عَمَلٍ مَفْرُوضٍ؛ (۱۸) مبدا روزی ضمانت شده تو را از کار واجبی بازدارد».

۳. اقتصاد اسلامی و فرهنگ تقوای کاری

منظور از مفهوم واژه «تقوای کاری» عبارت است از: رعایت حدود شرعی و قانونی کار؛ هر کس تا آنجا که برای او مقدور است، این حدود را مورد توجه قرار دهد و در میدان کار آنها را زیر پا نگذارد. (۱۹)

یکی از ابعاد رعایت تقوای کاری، به دست آوردن مال از راه حلال و مراقبت بر اعمال در معاملات و مناسبات کاری و پرهیز از انجام حرام، از جمله ربا، رشوه و... و همچنین رعایت تمام جوانب و ابعاد دینی مرتبط با کار و اشتغال، از جمله درستکاری، ایثار و گذشت و کمک به هم‌نوع و... می‌باشد.

خوردن مال حرام، و احتراز نکردن از آن، باعث هلاکت و ضرر و زیان به افراد جامعه و اقتصاد می‌گردد؛ در این زمینه بیان روایاتی که بر طلب روزی حلال تأکید کرده‌اند، می‌تواند مفید باشد:

رسول اکرم‌صلی‌الله‌علیه‌وآله بر این باور بود که: «الْعِبَادَةُ سَبْعُونَ جُزْءًا أَفْضَلُهَا طَلَبُ الْحَلَالِ؛ (۲۰) عبادت خداوند هفتاد جزء است و بهترین آنها طلب روزی حلال است».

همچنین فرمودند: «هر که از دست رنج خود بخورد، خدا به او نظر رحمت می‌کند، و هرگز او را عذاب نمی‌کند» (۲۱)

باز از آن حضرت‌صلی‌الله‌علیه‌وآله مروی است که می‌فرماید: «مَنْ أَكَلَ الْحَلَالَ أَرْبَعِينَ يَوْمًا نَوَّرَ اللَّهُ قَلْبَهُ؛ (۲۲) هر که چهل روز حلال بخورد خدای تعالی دل او را روشن می‌کند».

توجه به حلیت و دقت در کسب درآمد، سبب می‌شود که در هیچ مرحله‌ای از مراحل زندگی، خیانتی صورت نگیرد و این خود اعتماد را در جامعه تقویت می‌کند و باعث اهتمام بیشتر به کار و بالا رفتن کیفیت آن می‌گردد و همین امر موجب رونق در اقتصاد جامعه می‌گردد.

در مقابل، ربا، رشوه، احتکار و کم‌فروشی و... از مصادیق کسبه‌های حرام و مخرب اقتصاد محسوب می‌گردند که در اسلام از آنها نهی اکید گردیده و توجه دادن آحاد مردم به این مطلب ضروری می‌باشد.

در تحریم عمل زشت ربا و رشوه، روایات بسیار و گسترده‌ای است که در منابع مختلف وارد شده است. در این روایات تعبیرات بسیار تکان‌دهنده‌ای در مورد این اعمال اقتصادی ظالمانه و غیر انسانی آمده است که درباره کم‌تر گناهی دیده می‌شود.

رباخواری

تجربه نشان داده که اموال حاصل از ربا دوام و بقا و برکتی ندارد و رباخواران گرفتار سرنوشت‌های شومی می‌شوند و با وضع بدی از دنیا می‌روند.

رباخواری فقر و بدبختی می‌آفریند و جامعه را به تباهی می‌کشد، تباهی جامعه مایه درد و رنج همه است، رباخواران نیز در آتش فقری که برای جامعه فراهم کرده‌اند می‌سوزند.

تحمیل ربا، عملی ظالمانه است که تمام هستی فرد را به باد می‌دهد و به همین علت است که با اعمال منافی عفت مقایسه و از آن بدتر شمرده شده است؛ چرا که رباخواری یکی از عوامل اصلی فقر و اختلاف طبقاتی به شمار می‌آید. در حدیثی می‌خوانیم که پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله به حضرت علی‌علیه‌السلام فرمود: «يَا عَلِيُّ دِرْهَمٌ رِبَاً أَعْظَمُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ سَبْعِينَ زَنْبِيَةً...» (۲۳) ای علی! یک درهم از ربا [از نظر گناه و معصیت] نزد خداوند بدتر از هفتاد بار زنا است.»

امیرمؤمنان علی‌علیه‌السلام می‌فرماید: «لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الرَّبَّاءَ وَ أَكْلَهُ وَ بَايَعَهُ وَ مُشْتَرِيَهُ وَ كَاتِبَهُ وَ شَاهِدِيَهُ» (۲۴) پیامبر گرامی صلی‌الله‌علیه‌وآله ربا و خورنده و خوراننده و فروشنده و خریدار و نویسنده و دو شاهد آن را لعنت کرده است.»

پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله در این روایت، ربا و پنج طایفه را [که در ارتباط با ربا هستند] لعنت کرده است: ۱. رباخوار. ۲. فروشنده ربا. ۳. خریدار ربا. ۴. نویسنده ربا (کسی که ربا را محاسبه می‌کند). ۵. شهود قرارداد ربا.

امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید: «أَخْبَثَ الْمَكَاسِبِ كَسْبُ الرَّبَا» (۲۵) کثیف‌ترین معاملات، معاملات ربوی است. «حتی از شراب فروشی و قمار و فحشاء، کثیف‌تر است.

در حدیث دیگر می‌خوانیم: «وَمِنْ أَلْفَاظِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: شَرُّ الْمَكَاسِبِ كَسْبُ الرَّبَا» (۲۶) از فرموده‌های رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله است که رباخواری بدترین نوع کسبها است.»

رشوه، یکی از گناهان بزرگی است که مفساد اجتماعی متعددی را به دنبال دارد، از جمله: حذف عدالت، یأس و ناامیدی ضعفا، جرأت و جسارت اقویا، فساد و تباهی حاکم و قاضی، از بین رفتن اعتماد عمومی.

قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِيَأْكُلُوا فَرِيقًا مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْأَثَمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ»؛ (۲۷) «و اموال یکدیگر را به باطل [و ناحق] در میان خودتان نخورید و اموال را به [عنوان رشوه، به کیسه] حاکمان و قاضیها سرازیر نکنید تا بخشی از اموال مردم را به گناه بخورید، در حالی که خود می‌دانید [که خلاف می‌کنید]».

رشوه دهندگان، دنیاداران هستند که با رشوه دادن به قضات و سایر حکام و کارمندان، می‌خواهند اموال سایر مردم را بخورند، کارمندان دولت به‌ویژه مسئولان رده بالای اجرایی و قضایی را با رشوه به خدمت مطامع پلید خود در آورده، اموال اشخاص دیگر یا اموال عمومی را تصرف و تصاحب کنند. این را خداوند خوردن گناه ورزانه بخشی از اموال مردم می‌نامد. بنابراین رشوه وسیله‌ای است برای ارتکاب حرامخواری و خوردن اموال مردم به باطل و می‌توان آن را به اختصار «مال مردم خوری» نامید.

با توجه به این آثار و عوارض منفی، در روایات شدیداً از این عمل انتقاد شده است:

رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله خطاب به حضرت علی‌علیه‌السلام فرمود: «يَا عَلِيُّ! تَمَنُّ الْمَيْتَةَ وَالْكَلْبَ وَالْخَمْرَ وَ مَهْرَ الزَّانِيَةِ وَ الرَّشْوَةَ فِي الْحُكْمِ؛ (۲۸) ای علی‌علیه‌السلام! درآمد حاصل از فروش مردار، سگ، شراب، زنا و رشوه یکسان [و حرام] است».

همچنین علی‌علیه‌السلام در ذیل آیه شریفه «كَأَلُونَ لِلْسُّحْتِ»؛ (۲۹) می‌فرماید: «هُوَ الرَّجُلُ يَقْضِي لِأَخِيهِ الْحَاجَةَ ثُمَّ يَقْبَلُ هَدِيَّتَهُ؛ (۳۰) (رشوه‌خور) کسی است که برای برادر دینی خود کاری انجام دهد و سپس از او هدیه بپذیرد».

امام صادق‌علیه‌السلام رشوه را در حد کفر به خدا می‌داند. و می‌فرماید: «إِيَّاكُمْ وَ الرَّشْوَةَ فَإِنَّهَا مَحْضُ الْكُفْرِ وَ لَا يَشْمُ صَاحِبُ الرَّشْوَةِ رِيحَ الْجَنَّةِ؛ (۳۱) از رشوه بپرهیزید که کفر خالص است و صاحب رشوه بوی بهشت را نمی‌شنود».

در حدیث دیگر می‌خوانیم: «هر حاکمی که نسبت به گرفتاریهای مردم بی‌تفاوت باشد، خداوند لطفش را نسبت به او می‌پوشاند و اگر هدیه قبول کند تا کار مردم را انجام دهد، در زنجیر است و اگر رشوه بگیرد، مشرک می‌باشد»؛ (۳۲)

حضرت علی‌علیه‌السلام رشوه‌گیرنده را از حق ولایت محروم می‌داند و می‌فرماید: «لَا يَنْبَغِي أَنْ يَكُونَ الْوَالِي... وَ لَا الْمُرْتَشِي فِي الْحُكْمِ؛ (۳۳) سزاوار نیست که ولی و حاکم... رشوه دریافت کند در حکم دادن.» و در جای دیگر آن حضرت فرمودند: «هیچ گروهی گرفتار رشوه نشدند، مگر آنکه گرفتار ترس و اضطراب و نگرانی شدند»؛ (۳۴)

بعضی برای توجیه خلاف خود، نامهای مختلف بر رشوه می‌گذارند، از جمله: هدیه، تحفه، حق الزحمه، چشم‌روشنی و....

شخصی به نام «أشعث بن قیس»، حلویایی به در خانه علی‌علیه‌السلام به عنوان هدیه آورد تا در محکمه، شاید امام به نفع او حکم صادر کند. امام فرمود: «وَ اللَّهُ لَوْ أُعْطِيَ الْأَقَالِيمَ السَّبْعَةَ بِمَا تَحْتِ أَفْلَاكِهَا عَلَى أَنْ أُعْصِيَ اللَّهُ فِي نَمَلَةٍ أَسْلَبَهَا جُلْبَ شَعِيرَةٍ مَا فَعَلْتَهُ؛

(۳۵) به خدا سوگند! اگر هفت اقلیم را با هر چه زیر آسمان دارد، بر من ببخشند تا پوست جوی را [به ناحق] از دهان مورچه‌ای بگیرم این کار را نخواهم کرد».

شخصی به رسول اکرم صلی الله علیه و آله گفت: من متصدی و مسئول کاری هستم، مردم برایم هدایایی می‌آورند، چگونه است؟! حضرت در جواب فرمود: «چه شده است که عمال ما از هدایا سخن می‌گویند! آیا اگر در خانه می‌نشستند کسی به آنان هدیه می‌داد؟!» (۳۶)

احتکار

یکی دیگر از مفسدات اجتماعی که مورد نهی قرآن کریم می‌باشد، احتکار است؛ چنانچه می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْأَحْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لِيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ»؛ (۳۷) «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بسیاری از دانشمندان و راهبان، (با سوء استفاده از موقعیت خود)، اموال مردم را به ناحق می‌خورند و آنان را از راه خدا باز می‌دارند و کسانی که طلا و نقره می‌اندوزند و آن را در راه خدا انفاق نمی‌کنند، پس آنان را به عذابی دردناک، بشارت بده».

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «الْأَحْتِكَارُ دَاعِيَةُ الْجِرْمَانِ؛ احتکار موجب محرومیت [مردم] می‌شود.» (۳۸) و یا آن حضرت در جای دیگر می‌فرماید: «الْأَحْتِكَارُ شِيمَةُ الْأَشْرَارِ؛ (۳۹) احتکار رویه اشرار است».

آن حضرت به قاضی خود در اهواز دستور می‌دهند: «احتکار را ممنوع کن. مرتکبش را تعزیر کن و علاوه بر آن با افشای احتکارش او را کیفر بده» (۴۰).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با اطلاعی که از غیب به او می‌رسد، می‌فرماید: «در یکی از درکات جهنم (برزخی) سه گروه اجتماعی گرد آمده‌اند: محتکران، دائم الخمرها، و قوادان» (۴۱).

کم‌فروشی و گران‌فروشی

کم‌فروشی از عوامل فساد در زمین شمرده شده است؛ (۴۲) در آیات قرآن مجید بارها از کم‌فروشی نکوهش شده؛ یکی از آن موارد در داستان شعیب علیه السلام است، آنجا که قوم خود را مخاطب ساخته، می‌گوید: «أَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ»؛ (۴۳) «حق پیمان‌ها را ادا کنید، و دیگران را به خسارت نیفکنید، با ترازوی صحیح وزن کنید، و حق مردم را کم نگذارید، و در زمین فساد نکنید.» و به این ترتیب کم‌فروشی و ترک عدالت به هنگام پیمان‌ها و وزن را در ردیف فساد در زمین شمرده، و این خود دلیلی به ابعاد مفسدات اجتماعی و اقتصادی این کار است.

همچنین قرآن در جای دیگر می‌فرماید: «وَأَدَا كَالْوَهْمِ أَوْ وَزَنُوهُمْ يَخْسِرُونَ أَلَّا يَظُنُّ أَوْلِيكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ لِيَوْمٍ عَظِيمٍ يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفُجَارِ لَفِي سِجِّينٍ وَمَا أَدْرَاكَ مَا سِجِّينٌ كِتَابٌ مَرْقُومٌ وَيَلْ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ وَ...» (۴۴) «وای بر کم‌فروشان، آن کسانی که چون پیمانۀ از آدمیان می‌ستانند، پر می‌ستانند و چون به آنان پیمانۀ دهند یا برای آنان وزن کنند، کم می‌دهند. آیا اینان گمان نمی‌کنند که برانگیخته خواهند شد برای دورانی سهمگین؟ دورانی که آدمیان در پیشگاه پروردگار عالمیان و آفریدگان بپا می‌ایستند؟ نه چنان است که پندارند. بی‌گمان دفتر وجود بدکاران در آن اسارتگاه باشد، و تو چه دانی که آن زندان تنگ چه باشد؟ دفتری است رقم خورده. وای بر تکذیب کنندگان در آن روز، [آنان که دوران حساب را دروغ می‌شمرند]».

در روایت معروف اصبع بن نباته آمده است که می‌گوید: «از علی علیه‌السلام شنیدم که بر فراز منبر می‌فرمود: «يا مَعْشَرَ التُّجَّارِ! الْفِقْهُ ثُمَّ الْمُتَجَرِّأَى گروه تجار! اول فقه بیاموزید، و سپس تجارت کنید.» و این سخن را امام علیه‌السلام سه بار تکرار فرمود... و در پایان این کلام فرمود: «التَّاجِرُ فَاجِرٌ وَالْفَاجِرُ فِي النَّارِ إِلَّا مَنْ أَخَذَ الْحَقَّ وَ أَعْطَى الْحَقَّ؛ (۴۵) تاجر فاجر است و فاجر در دوزخ است، مگر آنها که به حق از مردم بگیرند و حق مردم را بپردازند.»

پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در این باره می‌فرماید: «وَ إِذَا طُفِّفَ الْمِكْيَالُ أَخَذَهُمُ اللَّهُ بِالسِّنِينَ وَ النَّقْصِ؛ هرگاه کم‌فروشی کنند، خداوند به قحط و کمبود گرفتارشان کند» (۴۶)

از مجموع آنچه گفته شد، استفاده می‌شود که: یکی از عوامل مهم نابودی و عذاب بعضی از اقوام گذشته، مسئله کم‌فروشی بوده است که موجب به هم خوردن نظام اقتصادی آنها، و نزول عذاب الهی شده است.

فروش کالاهاى تقلبى، حيله‌گرى در خريد و فروش، و كلاهبرداری

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: «وَ مَنْ غَشَّ مُسْلِمًا فِي شِرَاءٍ أَوْ بَيْعٍ فَلَيْسَ مِنَّا وَ يَحْشُرُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ الْيَهُودِ لِأَنَّهُمْ أَغْشُ الْخَلْقِ لِلْمُسْلِمِينَ؛ (۴۷) هر کس که در خرید و فروش حيله‌گرى کند از ما (امت اسلامى) نیست و در قیامت، با يهود محشور می‌شود؛ چون آنها در معامله با مسلمانان از هر کسى حيله‌گرتند.»

امام صادق علیه‌السلام نیز می‌فرماید: «مغبون کردن مؤمن حرام است» (۴۸)

بنابراین رعایت تقوا و پرهیزکاری در کار، نقش مهمی در شکل دادن به رفتار اقتصادی انسان دارد. به علاوه اینکه، این انگیزه معنوی می‌تواند قوای جسمی و روحی را در فعالیتهای اقتصادی احاد جامعه چند برابر نماید؛ و پویایی اقتصاد جامعه را به دنبال داشته باشد.

اقتصاد اسلامى و توجه به فرهنگ احساس تعهد و وجدان کارى

وجدان کارى را می‌توان چنین تعریف کرد: «عاملی که سبب می‌شود فرد بدون وجود هیچ کنترل خارجی و به دنبال انگیزه‌ای درونی، کارش را به نحو احسن انجام دهد.» (۴۹) یا به عبارت دیگر «وجدان کارى عاملی است که موجب می‌شود فرد صرف‌نظر

از هر گونه تشویق یا تنبیهی کارش را به بهترین صورت ممکن انجام دهد.» (۵۰) البته روشن است در فردی که از ایمان برخوردار است زمینه گسترده‌تری برای ایجاد وجدان کاری وجود دارد.

این مفهوم در نهان خود دو عنصر را به یک نسبت شامل می‌شود: یکی امانت و درستکاری و رعایت حدود شرعی و قانونی کار و دیگری توان و مهارت کاری؛ وجدان کاری در روابط کاری می‌طلبد که نسبت به آن کار هم درست کار و امین باشد و هم توانمند و با مهارت.

به طور طبیعی هر مقدار که فرد مهارت بیشتری در حفظ امانت و درستکاری داشته باشد، می‌تواند خدمت بیشتری به جامعه ارائه دهد؛ چرا که وجدان کاری و احساس تعهد در فرد، او را از هدر دادن وقت و فرار از کار و عدم ارائه کار مفید باز می‌دارد.

در حدیثی از حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله است که می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَحِبُّ إِذَا عَمِلَ أَحَدُكُمْ عَمَلًا يَتَّقُنُهُ؛ (۵۱) خداوند دوست دارد اگر کسی کاری را انجام می‌دهد آن را درست انجام دهد.»

در روایت دیگری از حضرت علی‌علیه‌السلام آمده است: «قِيمَةُ كُلِّ امْرِئٍ مَا يَحْسِنُهُ؛ (۵۲) ارزش هر فردی به اندازه حس عمل و درستکاری او است.»

در آموزه‌های نبوی خدا دوست‌دار کسی است که کار و تلاش را خوب به پایان برساند. (۵۳) و نیز در حدیث دیگری آمده است: «جَمَالُ الْمَعْرُوفِ إِتْمَامُهُ؛ (۵۴) زیبایی کار خوب به اتمام و پایان رسانیدن آن است.»

کار مفید به عنوان یک خدمت به جامعه، به هر مقدار و میزان، پسندیده و مورد تقدیر است؛ بنابراین، هر کس به هر مقدار که می‌تواند از این طریق به جامعه کمک کند، حتی اگر به مقدار ناچیز باشد، نباید فروگذار نماید، زیرا محرومیت از همین مقدار کم، خود موجب ضرر و محرومیت جامعه می‌گردد.

رعایت این نکته در سطح جامعه، سبب ظهور و بروز استعدادها و سرمایه‌ها است. اگر این امر مبنای عملکرد نظام اقتصادی یک جامعه باشد، بی‌تردید، بهره‌برداری از برکات مادی و معنوی آن و بهره‌مند شدن آحاد جامعه، نتیجه مورد انتظار آن خواهد بود.

اقتصاد اسلامی و فلسفه پرداخت زکات و خمس

با مختصر مطالعه در تاریخ و «تعلیقات» اسلام روشن می‌شود که اسلام تنها یک سلسله دستورها و مقررات اخلاقی و عقاید مربوط به مبدأ و معاد نیست، بلکه دستوراتی (تحت یک حکومت) همراه خود دارد که همه نیازمندیهای یک جامعه پاک و مترقی را تضمین می‌کند و مسلماً یکی از ارکان چنین حکومتی تشکیل «بیت المال» برای رفع نیازمندیهای اقتصادی بوده است.

«بیت المال اسلامی که از بدو ورود پیامبر صلی الله علیه و آله در مدینه و تشکیل حکومت اسلامی به وجود آمد، مشتمل بر اموالی بود که از منابع متعددی همچون: خمس، زکات و... گردآوری می شد.» (۵۵)

قرآن کریم تأمین آبرومندان و کریمانه نیاز تهی دستان و ناتوانان و رسانیدن آنان به سرحد خودکفایی را یکی از موارد مصرف خمس (۵۶) و زکات (۵۷) می داند: «وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ»؛ (۵۸) «و آنها که در اموالشان حق معلومی است برای تقاضا کنندگان و محرومان».

در متون دینی، تأمین زندگی نیازمندان جامعه از بیشترین و مؤکدترین سفارشها برخوردار است. خداوند متعال به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید: «وَلَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاوَةِ وَالْعَشِيِّ يَرِيدُونَ وَجْهَهُ مَا عَلَيْكَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَمَا مِنْ حِسَابِكَ عَلَيْهِمْ مِنْ شَيْءٍ فَتَطْرُدَهُمْ فَتَكُونَ مِنَ الظَّالِمِينَ»؛ (۵۹) «و کسانی را که بامداد و شامگاه پروردگارشان را می خوانند، در حالی که رضای او را می طلبند، از خود مران. چیزی از حساب آنان بر عهده تو نیست، و از حساب تو نیز چیزی بر عهده آنان نیست که طردشان کنی و در نتیجه از ستمگران شوی».

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نیز وظیفه الهی خویش را تأمین زندگی نیازمندان از اموال ثروتمندان اعلام می کند: «أَمْرُ أَنْ آخِذَ الصَّدَقَةَ مِنْ أَعْيَانِكُمْ وَأَرْدَهَا إِلَى فُقَرَائِكُمْ»؛ (۶۰) امر کردم که از اغنیاء صدقه بگیرید و آن را به فقراء ببخشید».

امام کاظم علیه السلام درباره سبب تشریح زکات می فرماید: «إِنَّمَا وَضِعَتِ الزَّكَاةُ قُوْتًا لِلْفُقَرَاءِ»؛ (۶۱) به درستی که خداوند زکات را قوت قرار داد برای فقرا».

امام صادق علیه السلام می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ عَلَى أَعْيَانِ النَّاسِ فِي أَمْوَالِهِمُ الْقَدْرَ الَّذِي يَسَعُ فُقَرَائِهِمْ» «أَلَا إِنَّ اللَّهَ يَحَاسِبُهُمْ حِسَابًا شَدِيدًا وَيَعَذِّبُهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا»؛ (۶۲) خداوند در مال مردم [مسلمانان] ثروتمند، به مقداری زکات واجب کرده که کفاف فقرا را بدهد، آگاه باش! همانا خداوند آنان را [اگر به وظیفه خود عمل نکنند] حسابرسی شدید می کند و عذاب می کند عذاب دردناکی.» همچنین می فرمایند: «چون مردم زکاة خود را منع کنند، زمین نیز برکات خود را منع می کند.» (۶۳)

همچنین در روایت آمده حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: «و هر صاحب شتر یا گوسفند یا گاوی که زکاة آن را نداده باشد، خدای تعالی او را در روز قیامت در صحرای همواری محبوس کند. و هر حیوان سمداری او را پایمال نماید. و هر صاحب نیشی او را بگزد و هر صاحب زراعتی، از: خرما یا انگور یا غله که زکاة آن را نداده باشد خدای تعالی زمین آن را تا هفت طبقه طوق کند و بر گردن او افکند.» (۶۴)

آن حضرت همچنین فرمود که: «هر که یک «قیراط» از زکات خود را منع کند، نه مؤمن است و نه مسلمان.» (۶۵) و فرمود که: «هیچ کس فقیر نشد و گرسنه نگشت و برهنه و محتاج نماند، مگر به واسطه گناه مال داران، که زکات خود را ندادند. و حق است بر خدا که رحمت خود را منع کند از هر که حق خدا را در مال خود منع کند. و قسم به آن خدایی که خلق را آفرید و ایشان را روزی داد، که هیچ مالی در صحرا یا دریا ضایع نشد مگر به ندادن زکات آن.» (۶۶)

خداوند متعال در آیه ۴۱ سوره انفال می‌فرماید: «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَأَيْنَ السَّبِيلِ إِن كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقَىٰ الْجَمْعَانَ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»؛ «بدانید که ره نفعی که به شما عاید می‌شود، خمس آن مال خدا و پیغمبر و ذوی القربی و یتام و مساکین و ابن السبیل است. باید آن را به ایشان برسانید اگر ایمان آورده‌اید به خدا و به روز قیامت و آنچه به بنده خود نازل کرده‌ایم».

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود که: «شفاعت من حقی است ثابت از برای هر که ذریه مرا اعانت کند به دست و زبان و مال».

(۶۷)

اقتصاد اسلامی و تقبیح اسراف و تجمل‌گرایی

یکی از تدابیر مهم اسلامی برای تأمین زندگی و جلوگیری از فقر، ارائه‌الگوی صحیح است. امام صادق علیه‌السلام فرموده است:

«ضمانت می‌کنم کسی که میانه روی کند، فقیر نشود» (۶۸)

زندگی اسراف‌گرانه و تجملاتی علاوه بر اینکه روح عاطفی و انسانی را از بین می‌برد، از نظر اقتصادی نیز به شخص مسرف و بلکه به اجتماع آسیب می‌رساند؛ چرا که سرمایه‌ها را پایان می‌بخشد و فرد و جامعه را به نابودی می‌کشاند.

قرآن میانه‌روی و اعتدال را الگوی صحیح مصرف و عامل پایداری خانواده و جامعه معرفی می‌کند: «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا» (۶۹) «آنان که هر گاه انفاق کنند، نه از حد گذرند و نه تنگ گیرند و میان این دو روش اعتدال دارند.» قوام به معنای حد وسط و اعتدال است.

امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «هر کس اعتدال و میانه‌روی را خوب رعایت نکند، در اثر اسرافگری به نابودی کشیده می‌شود».

(۷۰)

امام علی علیه‌السلام همچنین در این باره فرموده‌اند: «نادیده گرفتن برنامه اعتدال در زندگی، باعث فقر و بدبختی می‌گردد» (۷۱).

رعایت اعتدال در هزینه‌های زندگی به قدری مهم است که امام علی علیه‌السلام درک لذت ایمان واقعی را منوط به آن دانسته و فرموده‌اند: «لَا يَسْتَكْمِلُ عَبْدٌ حَقِيقَةَ الْإِيمَانِ حَتَّىٰ يَكُونَ فِيهِ خِصَالٌ ثَلَاثٌ التَّقِيُّ فِي الدِّينِ وَ حَسَنُ التَّقْدِيرِ فِي الْمَعِيشَةِ وَ الصَّبْرُ عَلَى الرَّزَايَا» (۷۲) هیچ بنده‌ای به حقیقت ایمان نمی‌رسد مگر اینکه در او سه خصلت باشد: فهم و درک در مسائل دین و احکام، برنامه‌ریزی درست در امور زندگی و صبر در مصیبت‌ها».

امام کاظم علیه‌السلام نیز فرموده‌اند: «هیچ انسانی با میانه‌روی نیازمند نمی‌شود» (۷۳).

همچنین گفتنی است اسلام علاوه بر اینکه مسلمانان را به زیبایی و آراستگی دعوت می‌کند، به ساده‌زیستی و پرهیز از تجمل‌گرایی توصیه می‌نماید. چرا که رفاه‌طلبی و خوش‌گذرانی و تجمل‌گرایی - که بعضاً از چشم و هم‌چشمی نیز نشأت می‌گیرد - چنان انسان

را سرمست می‌کند که گاه برای مسائل انسانی و اخلاقی ارزش قائل نمی‌شود، از اینرو می‌توان از خطرناک‌ترین مصادیق اسراف، افراط در رفاه‌طلبی و تجمل‌گرایی نام برد که در قرآن و روایات نیز نسبت به آن هشدار داده شده است:

«وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ * وَقَالُوا نَحْنُ أَكْثَرُ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ»؛ (۷۴) «و»

ما در هیچ دیاری هشدار دهنده‌ای نفرستادیم مگر آنکه افراد خوشگذران گفتند: حتماً ما به آنچه بدان فرستاده شده‌اید، کافریم.»

در روایتی امام حسن عسکری علیه‌السلام می‌فرماید: «عَلَيْكَ بِالْاِقْتِصَادِ وَ اِيَّاكَ وَ الْاِسْرَافَ فَاِنَّهُ مِنْ فِعْلِ الشَّيْطَانَةِ؛ (۷۵) سفارشت می‌کنم به میانه‌روی و از اسراف و زیاده‌روی دوری کن؛ چرا که اسراف از کارهای شیطانی است.»

بنابراین راه نجات و پیشرفت در داشتن اعتدال است و این روش باعث ثبات و موفقیت می‌شود و عدم توجه به آن، جامعه را به سوی مصرف‌گرایی سوق داده و موجب خلل در اقتصاد می‌گردد. از اینرو این نکته باید مورد توجه مبلغین قرار گیرد و مردم را در این زمینه آگاه سازند.

کلام آخر

باید دانست که ضروری است اقتصاد اسلامی به عنوان یک الگوی صحیح، جامع و تمام عیار برای مردم تبیین و روشن گردد و همه ابعاد و زوایای آن شناخته شود تا بتوان نقص و کاستیهای جامعه را شناسایی کرد و در جهت رفع آن گام برداشت و جامعه را به سمت پیشرفت و موفقیت سوق داد؛ این امر میسر نمی‌گردد مگر با کمک و همکاری همه نهادها و افراد جامعه، و راهنماییهای روحانیون و گرامی.

پی‌نوشت‌ها

۱. (لقمان / ۱۹).

۲. (فاطر / ۳۲).

۳. (مفردات الفاظ قرآن، راغب اصفهانی، تحقیق صفوان، عدنان داوودی، انتشارات دار الاسلامیه، بیروت، ۱۹۹۲م، ص ۴۰۴).

۴. (فرقان / ۶۷).

۵. (غرر الحکم و دررالکلم، عبدالواحد آمدی، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۶۶ش، ج ۵، ص ۷۰).

۶. (نهج البلاغه، کلمات قصار، ۱۴۰).

۷. (غرر الحکم و دررالکلم، ج ۵، ص ۴۷۴).

۸. (اقتصاد سیاسی، جیفرنس، ص ۷، به نقل از اندیشه‌های اقتصادی در نهج البلاغه، سید محسن حائری، ترجمه عبد العلی آل بویه لنگرودی).

۹. (همان، ص ۲۵).

۱۰. (کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال، حسام الدین المتقی هندی، ضبط حسن رزوق، مکتبه التراث الاسلامی، بیروت، ۱۳۸۹ ق، ص ۹۳۴۱ - ۹۳۴۰، ح ۱۰۵۱۶).

۱۱. (بحار الانوار، علامه مجلسی، انتشارات مکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۶، ج ۷۸، ص ۵۴، ح ۱۰۰).

۱۲. (بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۱۵۸).

۱۳. (نهج الفصاحه، ابوالقاسم پاینده، انتشارات خاتم الانبیا، اصفهان، چاپ ۴، ۱۳۸۵ش، ص ۱۸).

۱۴. (غرر الحکم، آمدی، ح ۱۰۸۳۸).

۱۵. (نهج البلاغه، خطبه ۹۱).

۱۶. (بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۳۳، ح ۶۹).

۱۷. (بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۶۸، ح ۷).

۱۸. (بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۷۴، ح ۲۲).
۱۹. (مقاله کار، حسن نظری، اشتغال و تولید، سایت حوزه نت).
۲۰. (نهج الفصاحه، پاینده، ص ۱۰).
۲۱. (بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۱۰، ح ۴۱).
۲۲. (محنة البيضاء، فیض کاشانی، مکتبه الصدوق، تهران، ۱۳۴۲ ش، ج ۳، ص ۲۰۴).
۲۳. (روضه المتقین، علامه مجلسی، بی نا، بی تا، ج ۷، ص ۲۷۲).
۲۴. (مستدرک الوسائل، محدث نوری، مؤسسه آل البیت صلی الله علیه و آله، قم، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۳، ابواب الربا، باب ۱، ح ۸).
۲۵. (کافی، کلینی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵ ش، ج ۵، ص ۱۴۸).
۲۶. (من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۴۱۳ ق، ج ۴، ص ۳۷۸).
۲۷. (بقره / ۱۸۸).
۲۸. (بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۵۴).
۲۹. (مال حرام فراوان می خورند. «مائده / ۴۲»).
۳۰. (بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۲۷۳).
۳۱. (جامع الاخبار، تاج الدین شعیری، نشر رضی، قم، ۱۴۰۵ ق، چاپ اول، ص ۱۵۶).
۳۲. (وسائل الشیعه، شیخ حرّ عاملی، تصحیح ربانی شیرازی، انتشارات مکتبه الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۴ ق، ج ۱۲، ص ۶۳).
۳۳. (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۱).
۳۴. (نهج الفصاحه، ح ۲۶۹۳).
۳۵. (تفسیر نور، محسن قرآتی، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، تهران، ۱۳۸۳ ش، ج ۱، ص ۲۹۸).
۳۶. (نهج الفصاحه، ح ۵۳۹).

۳۷(توبه / ۳۴).

۳۸(غرر الحکم، ص ۱۵).

۳۹(همان، ص ۲۱).

۴۰(دعائم الاسلام، نعمان بن محمد تمیمی مغربی، دار المعارف، مصر، ۱۳۸۵ ق، ج ۲، ص ۳۶).

۴۱(وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۳۱۵ - ۳۱۴).

۴۲(تفسیر نمونه، ج ۲۶، ص ۲۵۰).

۴۳(شعراء / ۱۸۱ - ۱۸۳).

۴۴(مطففین / ۱ - ۱۰).

۴۵(بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۷۰، ص ۳۶۹).

۴۶(وسائل الشیعه، ابواب التجارة، باب ۷، ج ۱۲، ص ۲۹۰).

۴۷(سفینه البحار، شیخ عباس قمی، مؤسسۀ الوفاء بیروت، بی تا، ج ۲، ص ۳۱۸).

۴۸(کافی، کلینی، ج ۵، ص ۳۸۰).

۴۹(فرهنگ اصطلاحات علمی و اجتماعی، محمد آراسته خو، انتشارات چاپخش، تهران، ۱۳۸۱ ش، ص ۱۱۲۵).

۵۰(فرهنگ علوم اجتماعی، جولوس گولد، ل. کولب ویلیام، ترجمه مصطفی ازکیا و دیگران، نشر مازیار، تهران، ۱۳۷۶ ش، ص

۳۴۲).

۵۱(نهج الفصاحه، پاینده، ص ۴۱۶).

۵۲(نهج البلاغه، محمد دشتی، حکمت ۱۲۲).

۵۳(«إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ مَنِ الْعَامِلِ إِذَا عَمِلَ أَنْ يُحْسِنَ»).

۵۴(غرر الحکم، آمدی، ص ۳۸۳، ج ۸۷۰۱).

۵۵(خمس پشتوانه استقلال بيت المال، مكارم شیرازی و همکاران، انتشارات مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، چاپ چهارم، ۱۳۷۹ ش، ص ۸.

۵۶(«وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَأَبْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ أُمَّتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقَىٰ الْجَمْعَانَ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»؛ انفال/۴۱).

۵۷(«إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأَبْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ»؛ توبه / ۶۰).

۵۸(معارج / ۲۴ - ۲۵).

۵۹(انعام / ۵۲).

۶۰(تفسیر قرطبی، ابی عبدالله بن محمد بن احمد الانصاری القرطبی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۵ ق، ج ۳، ص ۳۳۷).

۶۱(وسائل الشیعه، شیخ حرّ عاملی، ج ۶، ص ۴).

۶۲(الحیاه، اخوان حکیمی، ترجمه احمد آرام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۰ ش، ج ۶، ص ۳۹۷).

۶۳(موجهة البيضاء، فیض کاشانی، ج ۲، ص ۶۶).

۶۴(بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۹۶، ص ۱۶، ح ۳۷).

۶۵(وسائل الشیعه، شیخ حرّ عاملی، ج ۶، ص ۱۸، ح ۳).

۶۶(وسائل الشیعه، شیخ حرّ عاملی، ج ۶، ص ۴).

۶۷(جامع الاخبار، باب ۲، فصل ۶).

۶۸(کافی، کلینی، ج ۲، ص ۱۳۹، ح ۹).

۶۹(فرقان/۶۷).

۷۰(کافی، کلینی، ج ۴، ص ۵۲، ح ۴، و غررالحکم، آمدی، ح ۵۱۵ و ح ۳۳۵).

۷۱(مضمون غرر الحکم، آمدی، ح ۵۵۲۹).

٧٢(بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ٤٤، ص ٣٠٠.

٧٣(مضمون کافی، کلینی، ج ١، ص ١٨، ح ١٢، و تحف العقول، ص ٤٠٣.

٧٤(سبا / ٣٤ و ٣٥.

٧٥). غرر الحکم، آمدی، ح ٥١٨٨.

منبع : نشریه مبلغان شماره ١٤٢